



سومین مجتمع قدیمی محله الهیه، به واسطه رفتار ساکنانش، آرام و امن است

اهالی با فرهنگ فرهنگیان

بهشتی اکنون در این مجتمع هیچ معلمی ساکن نیست، اما نام فرهنگیان که دودهمه پیش برایش انتخاب شده، هنوز روی آن مانده است. البته این نام با فضای مجتمع بیگانه نیست. زیرایشتر اهالی، فرهنگ آپارتمان نشینی را رعایت می کنند و به فکر آسایش و آرامش یکدیگر هستند.

این مجتمع مسکونی پس از «طاش» و «سامان» سومین مجمع مسکونی محله الهیه و این محدوده از شهر محسوب می شود؛ مجموعه ای که با وجود تغییر یکی دو نسل از ساکنان، هنوز فضایی صمیمی دارد.

● به نام فرهنگیان، به کام همه اقشار

سال ۱۳۸۰ کار عمرانی برای احداث مجتمع فرهنگیان طبقه آغاز شد؛ مجموعه ای مسکونی که به صورت سهامی برای فرهنگیان شهرستان طبقه ساخته شد و در سال ۱۳۸۱ اولین ساکنان آن از راه رسیدند. ساکنان از همه اقشار بودند. زیرا شرکت سرمایه گذار با نظر فرهنگیان عضو، سهام مجتمع را فروخت تا اقشار مختلف نیز بتوانند ساکن آن شوند.

این مجتمع مسکونی که حلالدر حاشیه بولوار اقدسیه واقع شده، در پنج بلوک ساخته شده است. هر بلوک چهار طبقه سه واحدی دارد و واحدی ۵۵ تا ۸۵ متر مربع ساخته شده اند. فضای بیرونی مجتمع با آجرهای سفالی نما سازی شده است. طبقه همکف هم در زمان افتتاح به صورت پیلوت باز بود که بعدتر به همت ساکنان با ورود یوا رکشی احاطه شد. در دهه اخیر اهالی مجتمع به واسطه

دغدغه هایی که درباره محل زندگی شان داشته اند، از کف سازی مجتمع گرفته تا فضا سازی محوطه و نصب نرده پله و تزئین باغچه ها را خودشان سامان داده اند.

● آغاز رفاقت ها از حیاط مجتمع

اولین ساکنان مجتمع خاطرات متفاوتی از این بنا دارند؛ از جمله جواد شیرازی که جزو اندک ساکنان اولیه به شمار می رود و اینجا مانده است. او می گوید: اولین ساکن اینجا آقای خدا بخشی نامی بود که بعد دوسه سال رفت. بعد آقای رسولی آمده بود و بعد هم ما! اینجا بیابان بود و برهوت. اول زن و بچه با من حرف داشتند که برای چه اینجا خانه خریدی. بعدتر که آباد شد، اعتراضشان کم شد. او ادامه می دهد: یکی از خاطرات ما مربوط به شب های سرد پاییز و زمستان بود. یادم هست چند نفر از مردهای همسایه یک حلب

خالی روغن داشتیم که داخلش چوب می ریختیم و در حیاط آتش روشن می کردیم. می نشستیم از زندگی و کار صحبت می کردیم. همان دور هم نشستن با همسایه ها باعث رفاقت های باصفا و طولانی شد. رضا کمالی هم که از ساکنان نسل دوم است، می گوید: انشعابات آب و برق و گاز اینجا هم داستان دارد. مثلاً لوله آب اینجا مستقیم وصل شده بود به شاه لوله؛ نه کنتری بود و نه کنترل فشاری. بعضی وقت ها که شیر را باز می کردیم، فشار آب می خواست شیر را از جابکند.

● امنیت و آرامش با همدلی همسایه ها

گذر زمان باعث شده است مجتمع فرهنگیان تقریباً از همه ساکنان سابق خالی شود؛ چنانچه بیشتر ساکنان کنونی در همین ۱۰ سال اخیر وارد این مجموعه شده اند و البته روابط صمیمی و دوستانه ای بین آن ها شکل گرفته که منشأ خبر برای همه همسایه ها است. نگین کامه برزویی می گوید: من هفت سال است در این مجتمع زندگی می کنم. ساختمانش قدیمی است، اما بیشتر ساکنان جدید هستند و روابط عمیق و دوستانه بینشان برقرار است. به دلیل همین دوستی هاست که توانسته ایم صندوق قرض الحسنه راه بیندازیم و به هم کمک کنیم.

مینا مراد حساری هم دیگر ساکن مجتمع است که هم جوارزی با همسایه های مردم دار را می آید آرامش می داند و می گوید: همدلی اهالی باعث شده است همه برای ایجاد ساختمانی امن و آرام با هم همراه شوند. به این دلیل است که با وجود عمر بیست و دو ساله مجتمع، وضعیت عمومی آن از خیلی از مجتمع های نوساز بهتر است.



نوجوان رزمی کار محله دانشجو، از تغییر هدف خود در مسیر ورزشی می گوید

برای برنده شدن به میدان می روم



امید محله

● چه کسانی در موفقیت هایت نقش داشته اند؟

اول از همه مادر و خانواده مادری ام. همچنین مربی ام، آقای علی مرادپور که از ابتدا فراگیری فنون و تمریناتم با ایشان بود و تشویق های مربی به من انگیزه زیادی می داد.

● رشته ورزشی نین جوتسو برای تو چه آورده ای جز

مدال داشته است؟

خود باوری، انگیزه و ادامه مسیری هدفمند در ورزش. از طرفی، به واسطه این رشته ورزشی، چه به صورت گروهی و چه فردی، در همایش هایی که از طرف سازمان ها و نهاد های دولتی و خصوصی برگزار می شود، اجرا هایی داشته ام. به عنوان مثال، اجرای برنامه در یکی از بوستان های شهر با حضور بیش از ۴ هزار نفر که حس خیلی خوبی داشت.

● شنیده ایم در مسابقات داستان نویسی هم رتبه

نخست استانی را کسب کردی.

چون علاقه مند به نوشتن هستم و گاه شعر هم می گویم، یکی از مربیان مدرسه از من خواست در مسابقات داستان نویسی که در سطح ناحیه برگزار می شد، شرکت کنم. داستان من بعد از اول شدن در ناحیه، در مرحله استانی هم مقام اول را کسب کرد.

● اوقات فراغتت را چطور می گذرانی؟

تقریباً همه روزهای من با مدرسه و باشگاه و کلاس زبان پر است. روز هایی که برنامه ام سبک تر است، از طریق فضای مجازی آهنگ سازی را آموزش می بینم.

صحبت های دل گرم کننده مربی سبب شد تا تمریناتم را بیشتر کنم و پس از آن فقط برای برد به روی تاتامی مسابقه بروم.

● چه مدال هایی تا کنون کسب کرده ای؟

در دو مسابقه کشوری که در قم برگزار شد، شرکت کردم و در هر دو موفق به کسب مدال طلا کشور شدم.

● این رشته ورزشی را تا چه مرحله ای می خواهی ادامه دهی؟

متأسفانه رشته ورزشی نین جوتسو امکان حضور در المپیک را ندارد. یکی از برنامه هایی که برای آینده ورزشی دارم، این است که در یکی دیگر از ورزش های رزمی مثل جودو یا کاراته که امکان حضور در المپیک را دارد، ورزش را ادامه دهم.



فاطمه سیرجانی هفت سالش نشده بود که به توصیه مادر برای کاهش وزن و تناسب اندام به باشگاه رفت. اما علاقه مندی اش به ورزش رزمی نین جوتسو و موفقیت در این رشته رزمی، انگیزه ای شد برای حضور در میادین رقابت و کسب افتخارات کشوری. شاهین شریفی سربازی، نوجوان چهارده ساله محله دانشجو، دو مدال طلای کشوری در رده نونهالان و نوجوانان در رشته نین جوتسو دارد. همچنین علاقه مندی این نوجوان موفق محله دانشجو به شعر و ادبیات برای او افتخاری دیگر در رده استانی در حوزه داستان نویسی داشته است.

● چه شد که سراغ این رشته رزمی رفتی؟

من پیش از رفتن به مدرسه کمی اضافه وزن داشتم و همین موضوع مادرم را نگران کرده بود. برای همین در باشگاه ورزش های رزمی ثبت نام کردم. اصلاً برنامه ای برای حضور در مسابقات و کسب مدال نداشتم، اما به مرور از رشته نین جوتسو خوشم آمد و ادامه دادم.

● از نخستین حضورت در مسابقه بگو.

آن زمان ده ساله بودم و مسابقات در اصفهان برگزار می شد. همراه بچه های تیم و مربی به مسابقات رفتم. قرار بود من در بخش هنرهای فردی نانچیکو برنامه داشته باشم. اما آن روز به قدری استرس داشتم که سلاح از دستم افتاد. همان شکست اول و